

ای خدا ای فضل تو حاجت روا

با تو یاد هیچکس نبود روا

با سلام و با اجازه از جناب استاد مهر آینه.

در دفتر سوم که فرمودید مولانا در یک کلام پاسخ را داده است . و آن اینکه :

هر کجا دردی دوا آنجا رود

هر کجا فقری نوا آنجا رود

و ما بندگان بی نوایی هستیم که دست نیاز به سوی بی نیاز او دراز کرده ایم. و بی گمان همانگونه که
مولانا در ادامه این ابیات می آورد:

هر کجا مشکل جواب آنجا رود

هر کجا کشته است آب آنجا رود

بنا بر این دردها گاه فرصتیست برای اندیشیدن به دوران سلامت و قدر شناسی از پرورده‌گار

و شکر و سپاس . در هنگام سختی درد و مصیبت توجه انسان به ما ورا بیشتر می شود. و اینجاست که
اتصال برقرار می شود. از این روست که در دفتر ششم هم در بیان تاخیر در استجابت دعا به دو نکته
ی مهم مولانا اشارت می برد . یکی زاری و خواستن است . که قرآن هم می گوید . "ادعونی استجب لکم"

چون در این حالت است که به قول مولانا دیگ رحمت پرورده‌گار به جوش می آید.

تا نگرید کودک حلوا فروش

بحر رحمت در نمی آید به جوش ."دفتر دوم"

و نکته دیگر احساس نیاز است .

حاجت آورده ز غفلت سوی من

آن کشیدش مو کشان در کوی من

و چه پناهگاه امن تر از دریای رحمت الهی . که در دردها و گرفتاری او هم خود انسان را به خود می
کشد و متوجه خود می کند.

و باز هم در همین دفتر ششم مولانا با بهره گیری از آیات قرآن می گوید : نیستم امید وار از هیچ سو

وان کرم می گوییم لا تیاسوا

"لَا تِيَاسُو مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ آيَةٌ ٥٣ زَمْرَدٌ